

جایگاه شناسی تطبیقی ضرورت عقلانی حکومت واحد جهانی از دیدگاه اندیشمندان و ادیان ابراهیمی

محمد جواد یعقوبیان^۱

چکیده

ضرورت تشکیل حکومت جهانی از دیدگاه عقل، دانشمندان و بسیاری از مکاتب و ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی؛ اصلی است پذیرفته شده که کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. تشکیل حکومتی کارآمد از سوی رهبری آگاه به مصالح و دارای تشکیلاتی نظام‌مند، با هدف نجات، عدالت و کمال خواهی نظریه مشترک بسیاری از عقلا، اندیشمندان و ادیان ابراهیمی است. با بررسی اهداف، ویژگی‌ها و برنامه‌های منجی موعود برای تشکیل حکومت واحد جهانی، با روش تحلیل-عقلی و نقلی و توجه به ناکارآمدی و غنی نبودن آموزه‌های یهودیت و مسیحیت در مقوله نجات و کمال خواهی انسان؛ می‌توان به این نتیجه رسید که مهدویت به عنوان مهم‌ترین مبنای ضرورت تشکیل حکومت واحد جهانی، برای رسیدن به اهداف به شمار می‌آید.

واژگان کلیدی: ادیان ابراهیمی، حکومت منجی، نجات، میانی حکومت، اسلام، کمال خواه

ضرورت تشکیل حکومت جهانی، مبنای علمی بسیاری از عقلا و اندیشمندان و مکاتب مختلف انسانی است. در این میان، ادیان الهی، بر این باور داشت مهر تایید نهاده و رسیدن به اهداف والای انسانی و الهی را در پرتو تشکیل حکومت واحد جهانی دنبال می‌کنند؛ مقوله‌ای که کم‌تر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. از آن جا که هدف رهبران الهی رساندن انسان به کمال و اخلاق و نجات بشر است، رسیدن به این اهداف بدون در نظرگیری برنامه و تشکیلاتی نظام‌مند که در راس آن رهبری متصل به وحی باشد، امکان پذیر نیست. پیشینه اندیشه حکومت واحد جهانی را می‌توان در متون دینی، مکاتب انسانی مختلف و حوزه‌های مختلف نظری و عملی سیاست‌مداران و اندیشمندان جست‌وجو کرد، طرح نظریه «مدینه فاضله» افلاطون را شاید بتوان طرح الگوی چنین تفکری به شمار آورد؛^۱ همان‌گونه که به نظر ارسطو تشکیل حکومت واحد می‌تواند زندگی خوب و سعادت‌مند را برای انسان‌ها تامین سازد^۲ و این تفکر در پندار رواقیون^۳ به برابری همه انسان‌ها و اندیشه «جهان وطنی» ابراز می‌گردد.

در میان نظریه پردازان مسیحی، «اگوستین قدیس» مسئله حکومت جهانی را در قالب یک جامعه مذهبی که به آن «شهر خدا» یا مدینه متعالی لقب داده است جست‌وجو می‌کند، و با اشاره به آیین دو شهر (یک شهر خاکی یا دولت روی زمین و دیگر شهر آسمانی یا قلمرو سلطنت خدا) موضوع تشکیل جامعه واحد جهانی عنوان می‌کند.^۴

از طرفی دیگر، از زمانی که مدنیت و شهر نشینی و زندگی پیچیده اجتماعی به میان آمد تا امروز، همواره سیاستمداران و حاکمان سیاسی به فکر گسترش قدرت نظامی و سیاسی خود بوده‌اند تا تمام جهان را زیر نفوذ و سیطره خود قرار دهند و به ادعای خود حکومت واحد و یکسان را برقرار

۱. آینده روشن، مجموعه آثار سومین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت: سید حسین هاشمی، عنوان مقاله، «سنجش تطبیقی آرمان شهر مهدوی»، ج ۳، ص ۱۹۸.

۲. جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات سومین اجلاس مهدویت: سید اصغر جعفری، عنوان مقاله، «بررسی نظریه‌های مختلف در تشکیل حکومت واحد جهانی به منظور استقرار صلح و عدالت جهانی»، ج ۲، ص ۱۵۹.

۳. هم‌زمان با اپیکوریسم، مکتبی دیگر تأسیس شد که به «مکتب رواقی» معروف است. مؤسس این مکتب مردی است به نام «زنون» برای آشنایی، ر.ک: مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۲، ص ۵۴.

۴. جمعی از نویسندگان، مسعودی، حسین، چشم به راه مهدی علیه السلام، ص ۱۹۱.

کنند و بسیاری از آنان، مهم‌ترین انگیزه سیاسی خود را در توسعه این ایده می‌دانستند که جامعه و کل بشر تنها در سایه قانون و حاکم واحد به سعادت می‌رسند. کشورگشایی‌های شاهان، قیصرها، کسراها و فرعون‌ها همه در تحقق همین ایده است. کوروش، اسکندر مقدونی، ناپلئون بناپارت، تزارهای روس و در این اواخر، هیتلر و آمریکا در قالب دموکراسی و شوروی سابق در قالب کمونیستی، همه و همه در اندیشه سیطره بر جهان و تشکیل حکومت واحد بودند. مروری بر پیشینه تاریخی اندیشه حکومت جهانی، این واقعیت را نشان می‌دهد که از گذشته‌های دور، زمامداران برای ایجاد نظام واحد، تلاش می‌کردند. مصر که قدیمی‌ترین تمدن جهان است، دو مجموعه جدا، «مصرعلیا» و «مصرسفلا» داشت که در سال‌های ۳۵۰۰ ق.م، وحدت یافتند و حکومت واحدی را بنیاد نهادند و در بین النهرین دو گروه «سوم» و «آکاد» که از حیث نژاد، مذهب و زبان جدا بودند، بر اثر وحدت امپراتوری، بابل را به وجود آوردند. امپراتوری ایران نیز بر اثر یکی شدن گروه مادها و ایرانی‌ها به وجود آمده بود.^۱

تبیین این نکته که تشکیل حکومت جهانی خواست همه ادیان ابراهیمی است و ضرورت آن را اندیشمندان نیز بیان کرده‌اند، و بررسی این مهم که اکثر ادیان بر این نکته اشتراک دارند که تشکیل حکومت از نوع واحد جهانی جزء برنامه‌های اصلی منجی به شمار می‌آید؛ و در میان ادیان ابراهیمی، مهدویت از مبانی ضرورت تشکیل این حکومت واحد جهانی به شمار می‌آید؛ از رسالت‌های این نوشتار خواهد بود.

تحلیل عقلی و بررسی متون و آموزهای ادیان این یافته را دارد که نظریه حکومت جهانی در ادیان، غیر از اسلام، کارآمدی لازم را در ارائه برنامه و تشکیلات نظام‌مند برای نجات بشر ندارد و تنها حکومت واحد جهانی مطرح اسلام (خاصه در فرهنگ شیعه) جامع ویژگی‌هایی است که می‌توان در پرتو آن، به کمال و نجات کامل دست یافت. تبیین این مهم که نجات و کمال خواهی که اندیشه‌ای اصیل و برخاسته از فطرت است و تنها اسلام با نوع حکومتی که برای فرجام تاریخ برای فرماندهی کل حکومت جهانی بیان می‌کند، به دلیل وجود امتیازاتش بر دیگر مکاتب، توانایی رساندن بشر به اهداف بیان شده را دارد؛ از دیگر نتایج این تحقیق به شمار می‌آید.

۱. رضوانی، علی اصغر، نظریه پردازی درباره آینده جهان، ص ۴۹.

ترتیب منطقی برای رسیدن به این نتیجه که اعتقاد به مهدویت از مبانی حکومت جهانی به شمار می‌آید؛ از امتیازات این نوشتار است؛ چرا که منطق اقتضا دارد ابتدا به ضرورت حکومت جهانی از دیدگاه عقل و اندیشمندان دنیا پرداخته و آن، وجود شرایط برپایی حکومت جهانی نظام مند است، همراه با برنامه، برای نیل به نجات و کمال خواهی، با وجود حاکمیت معرفی شده از سوی اسلام، این نکته روشن می‌گردد که مهدویت از مبانی ضرورت تشکیل حکومت جهانی است.

ضرورت حکومت واحد جهانی از دیدگاه عقل

واحد بودن حکومت پایانی بشر و جهانی بودنش را می‌توان از راه عقل این گونه اثبات کرد که **اولاً**، هر چه تاریخ جامعه سیاسی به جلو می‌رود، جهان بیش‌تر به یک دهکده شباهت پیدا می‌کند و تدبیر یک دهکده تنها با یک سیاست و حکومت، کامل می‌شود؛^۱ **ثانیاً**، انتظار پیروان ادیان از منجی موعود، نجات و کمال و عدالت است و نجات کامل و کمال و عدالت، در صورتی سودمند است که همگانی و فراگیر باشد. مثلاً اگر ماسیح تنها در میان بنی اسرائیل عدالت برقرار کند؛ اما دیگر امت‌ها در کنار آن‌ها و حتی در میان آن‌ها، بهره‌ای از عدالت نداشته باشند؛ نامنی ایجاد می‌شود که عدالت امت ماسیح را هم آرام نمی‌گذارد؛ یا مثلاً مهدی موعود عج تنها در میان مسلمانان، کمال و عدالت را به ارمغان بیاورد و پیروان دیگر ادیان که در کنار و حتی در میان جامعه اسلامی زندگی می‌کنند، دچار کاستی‌ها و نابرابری‌ها باشند؛ این رنج به جامعه اسلامی نیز سرایت می‌کند. لذا عقل حکم می‌کند، حکومت منجی موعود، باید فراگیر و جهانی باشد، یکی به خاطر واحد شدن جهان و جهانیان البته به صورت روند طبیعی یا پروسه‌ای و دیگر به خاطر تحقق کامل اهداف منجی، مانند کمال و عدالت و نجات.

۱. بهروزی لک، سیاست و مهدویت، ص ۱۸۵.

ضرورت حکومت واحد جهانی از نظر اندیشمندان و جامعه شناسان

باتوجه به اوضاع و احوال کنونی جهان، جای شک نیست که دنیا به سوی سقوط، و بشر به سوی زوال و نابودی پیش می‌رود. با ادامه این وضع، هر لحظه بیم آن می‌رود که آتش افروزان و جنگ طلبان حرفه‌ای، آتش جنگ جهانی سوم را روشن و جهان و بشر را به تلی از خاک و خاکستر تبدیل کنند.

از سوی دیگر، درهای امید برای نجات از وضع کنونی بسته شده است و سازمان‌هایی که بدین منظور، تأسیس شده‌اند، کارایی لازم را ندارند و آلت دست دولت‌های بزرگ شده‌اند؛ پس چه باید کرد؟ با بازی‌های خطرناک سیاسی ابرقدرت‌ها در جهان کنونی، سرانجام جامعه بشری چه خواهد شد؟ آیا وضع به همین منوال پیش خواهد رفت و به نابودی بشر خواهد انجامید؟ اگر جنگ جهانی سوم پدید آید، چه بلایی بر سر مردم جهان خواهد آمد؟

این جاست که هر فرد عاقلی که نگران سرنوشت بشر است، معتقد است برای رفع نابسامانی‌ها و جلوگیری از جنگ‌های خانمانسوز و رهایی یافتن از کشمکش‌های موجود جهان، لازم است حکومت واحد جهانی براساس عدالت و آزادی تشکیل شود.^۱

نتیجه طبیعی این بحث در مورد منجی موعود، این می‌شود که کمال‌خواهی و عدالت‌خواهی که اندیشه‌ای اصیل و برخاسته از فطرت و دین انسان‌ها است، حتماً متوجه تصرف حکومت است و این حکومت را به نحو جهانی آن می‌خواهند.

بیان چند نظریه

نظریه راسل: باید حکومت جهانی را قبول کنیم یا به عهد بربریت برگردیم یا به نابودی نژاد بشری راضی باشیم.^۲

۱. هاشمی شهیدی، ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، ص ۴۱۳.

۲. همان.

پرفسور آرنولد توین بی، فیلسوف و مورخ بزرگ انگلیسی ضمن نطقی در کنفرانس نیویورک می‌گوید: «تنها راه حفظ صلح و نجات بشر، تشکیل حکومت جهانی و جلوگیری از گسترش سلاح‌های اتمی است.»^۱

انیشیتین: حکومت‌های متعدد خواه ناخواه به نابودی بشر منجر خواهد شد. مردم یکی از این دو راه را باید انتخاب کنند: یا حکومت واحد جهانی تشکیل دهند یا حکومت‌های جداگانه؛ که در این صورت، بایستی شاهد نابودی تمدن باشند.^۲

گاستون بوتول از کارشناسان نظریه جنگ و صلح در کتاب «جامعه‌شناسی جنگ» می‌نویسد: جنگ نتیجه مستقیم فرمانروایی دولت‌هاست. تا زمانی که دولت‌های مستقل و حاکم کوچک یا بزرگ وجود داشته باشد، رقابت‌ها، جاه‌طلبی‌ها، کینه‌توزی‌ها و در نتیجه جنگ باقی خواهد ماند.^۳ بنابراین، حاکم واحد، عدالت و صلح را در دنیا، همچون ایالت‌های یک امپراتوری بزرگ که رهبری‌اش را به عهده دارد، برقرار خواهد کرد.

ضرورت تشکیل حکومت از دیدگاه ادیان ابراهیمی

رسالت این نوشتار، بررسی جایگاه حکومت منجی در بین ادیان ابراهیمی است؛ اما با نگاه تحلیلی - که به آن اشاره می‌شود - این نکته را نتیجه می‌دهد که ادیان و سایر مکاتب بر دو نکته تاکید دارند: ابتدا قبول اصل ضرورت وجود حکومت واحد جهانی، و سپس مبانی دیگری که بین ادیان مشترک است و آن، موضوع، منجی باوری است، مبنی بر این که حکومت جهانی بر مبنای شایستگی‌های خاص از لحاظ رهبر و اهداف، عملکرد، باید پایه ریزی شود. اثبات این دو امر از

۱. همان، ص ۴۱۴.

۲. جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات سومین اجلاس مهدویت، عباس پسندیده، اصلاحات مهدوی «تنها راه نجات»، ج ۲، ص ۳۲.

۳. مؤسسه فرهنگی نور، گفتمان مهدویت سخنرانی و مقاله‌های گفتمان نهم، امکان و زمینه‌های صلح جهانی در عصر انتظار، علی رضا مازاریان، ج ۱، ص ۲۰۷.

دوره ممکن است: تحلیل لزوم حکومت واحد با شرایط خاص و استقرا. در بخش استقرا به بررسی ادیان ابراهیمی پرداخته می‌شود.

الف) راه تحلیلی

با تحلیلی کوتاه و رویکرد سیاسی اجتماعی، ضرورت حکومت، آن هم از نوع حکومت واحد و جهانی، برای تحقق آرمان‌های موعود ادیان، آشکار می‌شود.

در این روش تحلیلی، باید پاسخ داده شود که چرا حکومت لازم است؟

باید حکومت و سیاست تعریف و کاربرد آن مشخص شود: «سیاست» (Politics)، به معنای علم و هنر راهبری هر دولت و در معنای عام، به معنای هر نوع روش اداره یا بهبودی امور شخصی یا اجتماع می‌باشد. سیاست یکی از حقایق اجتناب‌ناپذیر زندگی بشر و تنها اتخاذ روند سیاسی است که انسان می‌تواند امیدوار باشد زندگی خود را بر پایه خرد و کمال مطلوب‌ها قرار می‌دهد.

«دولت» چهارچوبی از ارزش‌ها است که در درون آن، زندگی جریان می‌یابد^۱ و افراد در درون دولت زندگی می‌کنند و رشد و رفاه آنان به دولت بستگی دارد. از نظر علمی، مشکل است که بتوان زندگی را بدون دولت تصور کرد.^۲ دولت تجلی و نتیجه قدرت ناشی از تشکل سیاسی جامعه است که از عناصر «مردم» (ملت یا امت)، «سرزمین» (کشور و مملکت)، «حکومت» (سازمان و تشکیلات) و «حاکمیت» (اقتدار داخلی و خارجی) برخوردار است.^۳ نتیجه این دو امر، یعنی سیاست و تدبیر حیات انسان‌ها با دولت و حکومت پیوند ناگسستنی دارد و نجات و استقرار کمال و عدالت مهم‌ترین ارمغان منجی موعود است که به برقراری حکومت نیازمند است.

دولت‌ها به دنبال جلب منافع‌اند و چنانچه دولت‌ها مختلف باشند منافع مختلف دارند و این منافع مختلف سبب تضاد و تقابل حکومت‌هاست. پس برای رفع تضاد لازم است اقتصاد و فرهنگ و سیاست جهانی زیر نظر یک حکومت باشد.^۴ با تحلیل و بررسی مبانی مشترک ادیان،

۱. کارگر، رحیم، آینده جهان، ص ۷۵.

۲. همان، ص ۷۷.

۳. مجموعه آثار چهارمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، ج ۳، ص ۱۱.

۴. هاشمی شهیدی، ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، ص ۴۱۳.

ضرورت حکومت واحد جهانی آشکار می‌شود. اگر از پیروان ادیان سوال شود که نجات از نارسایی‌ها و بیداد و فساد در پرتو موعود و منجی چگونه محقق می‌شود، آیا خودجوش و بدون رهبری و بدون سازمان است و آیا اصولاً چنین چیزی امکان دارد؟ آیا کمال‌خواهی و عدالت‌خواهی بدون تشکیلات و بدون نیرویی کمال‌خواه و عدالت‌خواه، ممکن است یا نه؟ در همه این موارد، پاسخ منفی است، مکاتب و ایسم‌های مختلف نیز در این نجات‌خواهی موفق نبوده‌اند و اگر انسان‌ها بدون برنامه و رهبر الهی، توان نجات کامل و نجات حقیقی را می‌داشتند، تاکنون این ایده را محقق کرده بودند و این که نجات کامل را انتظار می‌کشند و آن را در سایه منجی موعود جست و جو می‌کنند، گواه بر این مطلب است؛ ضمن این که منجی موعود، بدون استمداد از نیروهای موفق توان رسیدن به هدف را ندارد.

ب) راه استقرایی

مطالعه بر اهداف، ویژگی‌ها، برنامه‌ها و دیگر مناسبات منجی موعود در ادیان ابراهیمی نشان می‌دهد که ظهور و پیروزی آن با تشکیل حکومت همراه است. نوشتار پیش رو تشکیل حکومت از سوی منجی را برای رسیدن به آن اهداف و انجام برنامه‌ها، به عنوان یکی از مبانی مشترک بین ادیان ابراهیمی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد.

یهود و حکومت واحد جهانی منجی

واژه «مسیحا باوری» از کلمه «مسیح» (Messiah) گرفته شده که ترجمه واژه عبری «ماشیح» (Mashiah) (تدهین شده) است و در اصل به پادشاهی دلالت می‌کرد که سلطنت او با مراسم مسح با روغن مقدس اعلام می‌شد. این واژه در کتاب‌های مقدس یهودی (عهد عتیق) همیشه برای اشاره به پادشاه وقت بنی اسرائیل به کار رفته است (طالوت، داود و سلیمان)؛ اما در دوره بین دو عهد، این واژه به پادشاه آینده اطلاق می‌شد که انتظار می‌رفت پادشاهی بنی اسرائیل را اصلاح کند و مردم را از شر تمام شیاطین نجات دهد.

یکی از اشکال امید به مسیح موعود در یهودیت این است که مسیح فرزند داوود است. او با خرد و عدل حکومت خواهد کرد؛ قدرت‌های بزرگ جهان را شکست خواهد داد و رهایی مردم را از قید

حکومت بیگانه برنامه‌ریزی می‌کند. در جای دیگر از میراث بردن منتظران عدل و پیروزی جهانی صالحان، سخن می‌گوید:

«و صالحان از مردم، همان کسانی هستند که زمین را به میراث برند و تا فرجام حیات

جهان، در آن زندگی کنند.»^۱

در تورات، راجع به منجی آخرالزمان آمده است:

... مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم

خواهد کرد و جهان را به عصای دهان خویش زده، شیریران را به نفخه لب‌های خود

خواهد کشت؛ زیرا جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود، مثل آب‌هایی که دریا را

می‌پوشاند.^۲

از این عبارت نکات زیر به دست می‌آید: داوری کردن به عدالت، بدون در دست داشتن حکومت

ممکن نیست؛ حکم به راستی کردن شامل مظلومان جهان است؛ جهان را به عصای خویش

می‌زند و جهان از معرفت خدا پر خواهد شد، به آن معناست که برنامه او جهانی است و عدالت و

داوری او با معرفت خدایی همراه است. در جایی دیگر از تورات آمده است: «و بیهوه [=خداوند] بر

تمامی زمین پادشاه خواهد بود. در آن روز بیهوه، واحد خواهد بود و اسم او واحد.»^۳ این عبارت، به

خوبی دو نکته مهم را می‌رساند: دین واحد الهی عالمگیر است و حکومت جهانی از نوع حکومت

الاهی است، جایی برای حکومت اومانیستی، سکولاریستی، لیبرالیستی، کمونیستی و... نمی‌گذارد.

در جای دیگر تورات آمده است:

او قوم تو را به عدالت داوری خواهد کرد و مساکین تو را به انصاف ... او مثل باران بر

علف زار چیده شده، فرود خواهد آمد و مثل بارش‌هایی که زمین را سیراب می‌کند. در

۱. اشعیا، ۱۱: ۴.

۲. اشعیا: ۳۰، ۲۵ و ۲۸ میزامیر، کتاب مقدس.

۳. زکریا: ۱۴، ۱۰۱.

زمان او، صالحان خواهند شکفت و وفور سلامتی خواهد بود. مادامی که ماه نیست نگردد، او حکمرانی خواهد کرد، از دریا تا دریا و از نهر تا نهر تا اقصای جهان.^۱

مسلماناً داوری امت‌ها و تنبیه اقوام بدون حکومت واحد ممکن نخواهد بود.^۲

کتاب اشعیای نبی پس از بشارت بهروزی برای قوم خدا می‌گوید:

فرزندی برای ما به دنیا آمده است؛ پسری برای ما بخشیده شده و بر ما سلطنت خواهد کرد. نام او عجیب، مشیر، خدای قدیر، پدر جاودانی و سرور سلامتی خواهد بود. او بر تخت پادشاهی داوود خواهد نشست و بر سرزمین او تا ابد سلطنت خواهد کرد. حکومتش را بر عدل و انصاف استوار خواهد کرد و گسترش فرمانروایی صلح‌پرور او را انتهایی نخواهد بود. خداوند قادر متعال چنین اراده فرموده و این را انجام خواهد داد.^۳

مسیحیت و حکومت واحد جهانی

چنان که بعداً اشاره می‌شود، در مسیحیت، از حکومت جهانی کم‌تر سخن به میان آمده و بیش‌تر به بازگشت پسر انسان اشاره شده است و نجات عالم، ایجاد عصر با شکوه، به دنبال ظهور دوم (second coming)؛ یعنی بازگشت عیسی (علیه السلام) از اعتقادات جدّی مسیحیان است. در لوقا آمده است: کمرهای خود را ببندید؛ چراغ‌های خود را فروخته بدارید، مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید، پسر انسان می‌آید.^۴ برخی از مسیحیان باور دارند که پیش از بازگشت مسیح (علیه السلام) آخرین نبرد تاریخ، جنگ آخرالزمان (آرماگدون) یا (هارمجدون= Armageddon) اتفاق خواهد افتاد. طبق مباحث کتاب مکاشفه یوحنا، نبرد عصر ظهور، جنگی بسیار وحشتناک است که برخی آن را «نبرد هسته‌ای» تفسیر می‌کنند.^۵ در یکی از کتاب‌های مسیحیان آمده است:

۱. ۷۲: ۸-۲۴.

۲. سلیمان کامل، روزگار رهایی، ج ۲، ص ۶۶۴.

۳. اشعیاء: ۹، آیه ۲۲.

۴. لوقا، ۱۲: ۳۵ و ۳۶ و ۴۰.

۵. قنبری، آیت، آینده جهان در نگاه ادیان، ص ۴۶.

... و دیدم ناگاه اسبی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و به عدل داوری و جنگ می‌کند. و چشمانش چون شعله آتشی و جامه خون آلود و نام او را «کلمه خدا» می‌خوانند. و لشکریایی که در آسمان اند بر اسب‌های سفید و به کتان سفید و پاک ملبس از عقب او می‌آیند و از دهانش شمشیری تیز بیرون می‌آید تا به آن امت‌ها را بزند و آن‌ها را به عصای آهنین حکمرانی خواهد کرد.^۱

از بررسی اجمالی عبارت‌های مذکور، مطالب زیر به دست می‌آید: اعلام آمادگی سراسری برای استقبال از منجی موعود. اعلام نبرد آخرین و سرنوشت ساز. رهبر این قیام امین و حق نام دارد که به عدل داوری و جنگ می‌کند. این مرحله، مرحله نهایی حکمرانی بر مردمان است. پس حکومت واحد جهانی از نظر مسیحیت، عدالت خواهی است. از اجرای عدالت در بین امت‌ها، اصل حکومت، جهانی بودن و الهی بودن تایید می‌شود.

مورمون‌ها (فرقه‌های مذهبی مسیحی)^۲ می‌گفتند: ما اعتقاد داریم صهیون (حکومت یهود) بر این قاره (آمریکا) بنا می‌گردد. عیسی شخصاً بر زمین حکومت خواهد کرد. زمین از نو ساخته خواهد شد و شکوه بهشتی خود را باز خواهد یافت.^۳ عموم مسیحیان بر این عقیده‌اند: که در آینده روزی فرا خواهد رسید که حکومت اخلاقی خداوند، بر سرتاسر زمین جاری گردد. عبارت «حکومت و سلطنت الهی»، «سلطنت آسمان‌ها» و «ملکوت الهی» به طور مکرر در انجیل‌ها به چشم می‌خورد؛ عبارت «حکومت و سلطنت الهی»، «سلطنت آسمان‌ها» و «ملکوت الهی» به طور مکرر در انجیل‌ها به کار رفته است. سلطنت خدا (Kingdom of God)؛ به معنای «برقراری حکومت خدای بر زمین و غلبه نیروی الهی بر نیروی شیطان است».^۴

در برخی از انجیل‌ها (متا) سخن از «دولت آسمانی و قلمرو روحانی» است.

۱. مکاشفه یوحنا، ۱۹: ۱۸-۱۱.

۲. مورمون‌ها با تلفظ صحیح انگلیسی مُرمُن گروه مذهبی و فرهنگی مرتبط با شاخه اصلی جنبش قدیسان آخرالزمان مسیحیت احیاگر هستند که با جوزف اسمیت در بالایالت نیویورک در دهه ۱۸۲۰ شروع شد. مورمون‌ها آیین خود را «جنبشی احیاگر» می‌دانند و بر این باورند که تعالیم، آداب و رسوم و سازمان کلیسا که بر اثر نافرمانی بشر در قرون اولیه میلادی به ورطه نابودی سپرده شده بود، از طریق وحی الهی به جوزف اسمیت احیا شده است. <https://fa.wikipedia.org/wiki/>

۳. کارگر، رحیم، آینده جهان، ص ۱۰۰.

۴. همان.

بیش‌تر روایات انجیل‌های هم‌نوا، سخن از وارد شدن به حکومت خدا و یا قلمرو و دولت خدا است.^۱

دین اسلام و حکومت واحد جهانی

هر چند همه ادیان، داعیه دار حکومت واحد جهانی در آخرالزمان هستند؛ در این میان اسلام، به صورت جدی و بسیار روشن نظریه‌پردازی و حکومت واحد جهانی را بسیار روشن ترسیم و راه‌های رسیدن به آن را بیان کرده است و رهبری قیام، اهداف قیام، سرزمین‌های استراتژیک، برنامه‌های حکومت، نحوه حکمرانی و نشانه‌های نزدیک شدن را کاملاً عنوان کرده است. نظر اجمالی اسلام درباره حکومت واحد جهانی، در این جا بیان می‌شود و مشروح آن در بررسی نوع حکومت جهانی بیان خواهد شد.

«قرآن» و «سنت» دو منبع اصلی اسلام، درباره حکومت واحد جهانی سخن فراوان دارند: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۲؛ و به راستی که ما پس از نوشتن در ذکر [تورات یا کتاب‌های آسمانی]، در زبور نیز نگاشتیم که البته بندگان صالح من زمین را به ارث خواهند برد.» بر اساس روایت، این «عباد صالح» قائم عليه السلام و اصحاب اویند.^۳ صریح آیه می‌فرماید: «الارض»؛ یعنی همه زمین در قلمرو حکومت صالحان است؛ چنان که در آیه دیگر آمده است: ﴿الَّذِينَ إِِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾^۴؛ کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز را به پای می‌دارند و زکات می‌بخشند و به معروف امر و از منکر نهی می‌کنند و عاقبت کارها به دست خداوند است.» حضرت باقر عليه السلام در تفسیر آن فرمود: «هذه لآل محمد المهدى و اصحابه يملكهم الله تعالى مشارق الارض و مغاربها.»^۵ در آیه دیگر، غلبه جهانی حق‌طلبان با دین حق همراه شده است: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ

۱. همان، ص ۱۰۹.

۲. انبیاء: ۱۰۵.

۳. قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۴.

۴. حج: ۴۱.

۵. شوشتری، نورالله، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، ج ۱۳، ص ۳۴۱.

رَسُولَهُ يَأْتِيهِمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَهُدًى وَبُرْهَانًا كَلِمَاتٍ مُّطَهَّرَاتٍ يُسْمِعُونَ بَأْسَ اللَّهِ لِلَّذِينَ أَحْتَمِلُوا وِجْهَهُمْ وَأُولَئِكَ سَمِعُوا لَكُمْ وَرِجَالًا لَّعِينًا مُّضْمَرِينَ ۗ وَمَنْ يَتَّبِعِ الْآيَاتِ الْكُفْرَىٰ فَعَلَيْهِ نَصَابُ الْكُفْرَىٰ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۗ ﴿١٠٣﴾

رسوله با هدی و دین حق فرستاد تا او را بر همه دین آشکار سازد؛ هر چند مشرکان این امر را اکره دارند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «فوالله یا مفضل لیرفع عن الملل و الادیان الاختلاف^۲ و یکون الدین کله واحداً کما قال جل ذکره: ﴿ان الدین عند الله الاسلام﴾^۳ و قال الله تعالی: ﴿وَمَنْ يَتَّبِعِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ﴾^۴ و هر که جز اسلام دینی جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود.» غلبه دین و دین واحد وقتی معنا پیدا می کند که سرتاسر جهان تحت حاکمیت فرمانده الهی واحدی قرار گیرد و دستورهای خداوند از سوی آن حاکمیت، به تمام دنیا صادر شود. آیه دیگر علاوه بر تایید حکومت جهانی از منظر اسلام به برخی از اهداف آن اشاره می کند: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۵؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند، وعده فرموده است که به طور حتم در زمین به ایشان خلافت دهد؛ چنان که کسانی را که قبل از ایشان بوده اند، به خلافت رسانید و البته آیینی را که برای ایشان پسندیده است، توان و اقتدار خواهد داد و بی گمان، هراس ایشان را به ایمنی مبدل خواهد ساخت تا مرا عبادت کنند و هیچ چیزی را شریک من نگردانند و هر آن که بعد از آن [وعده] کافر شود؛ چنین کسانی تبه کارند.»

در روایتی از امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه این گونه آمده است:

«لم یجی تاویل هذه الایه و لو قام قائمنا بعد، سیری من یدرکه ما یکون من تاویل هذه

الایه و لیبلغن دین محمد صلی الله علیه و آله ما بلغ اللیل، حتی لا یکون مشرک علی ظهر الارض کما قال

الله تعالی: ﴿یعبدوننی لا یشرکون بی شیئاً﴾^۶.

۱. توبه: ۳۳.

۲. حلی، حسن بن سلیمان، مختصر البصائر، ص ۴۳۶.

۳. آل عمران: ۱۹.

۴. همان: ۸۵.

۵. نور: ۵۵.

۶. همان، ص ۳۳۴.

آیه دیگر از اراده حتمی خداوند مبنی بر امام و پیشوا قرار گرفتن مستضعفان و به ارث رسیدن زمین به آن‌ها و تمکن بر زمین توسط آنان حکایت می‌کند:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾^۱.

امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه فرمودند:

«ان هذه الايه مخصوصه بصاحب الامر الذي يظهر في آخر الزمان و يبید الجبابره و

الفراعنه و يملك الارض شرقاً و غرباً، فيملاءها عدلاً كما ملئت جوراً»^۲.

در این روایت، سخن از نابودی جباران و فرعون‌ها و عدالت جهانی است.

اسلام برای تثبیت حکومت صالح دستور می‌دهد: ﴿وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ﴾^۳. این دستور به جهاد، مطلق و فتنه بدون قید است و هر دو به مقصد سلطنت بخشیدن به دین الاهی است. امام فرمود: «لم یجی تاویل هذه الايه فاذا جاء تاويلها، يقتل المشركون حتى يوحدوا الله عزوجل و حتى لا يكون شرك و ذلك في قيام قائمنا»^۴ امام عسکری (علیه السلام) مزده ولادت حضرت مهدی را به مادر او چنین می‌دهد: «ابشری بولد یملك الدنيا شرقاً و غرباً و یملاء الارض قسطاً و عدلاً...»^۵ امام باقر (علیه السلام) فرمود: «لوقد خرج قائم آل محمد (علیه السلام) یفتح الله له الروم و الصين و الترك و الهند و کابل شاه و الخزر ...»^۶ مخاطب پیام و ندای حضرت مهدی (علیه السلام) تمام جهانیان است:

۱. قصص: ۵.

۲. بحرانی، هاشم، حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار (علیهم السلام)، ج ۵، ص ۲۸۰.

۳. بقره: ۱۹۳.

۴. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۵۱.

۵. طوسی، الغیبة، ص ۲۱۴.

۶. نعمانی، الغیبة، ص ۲۳۵.

« الا يا اهل العالم قد ظهر مهدى آل محمد فاتبعوا^۱ ابو داوود به سند خود از ام سلمه از رسول خدا ﷺ چنین نقل می‌کند: «فَيَقْسَمُ الْمَالُ وَيَعْمَلُ فِي النَّاسِ بَسْنَةَ نَبِيِّهِمْ ﷺ وَيَلْقَى الْإِسْلَامَ بِجَرَانِهِ فِي الْأَرْضِ.»^۲

از نوشتار گذشته این دو نتیجه ملاحظه می‌گردد:

۱. اصل ضرورت تشکیل حکومت واحد جهانی مورد توافق عقل و نظریه اندیشمندان و مورد قبول ادیان است؛
۲. نکته مشترک بین ادیان، این است که این حکومت واحد جهانی توسط رهبر الهی که همان منجی آخر الزمانی است؛ بر پا خواهد شد.

مهدویت مبنای ضرورت تشکیل حکومت واحد جهانی

قبل از پرداختن به این موضوع، به نظر می‌آید طرح یک سؤال و پاسخ از آن ضروری است: سؤال: با توجه به کثرت پیروان مسیح و تقدم زمانی دین مسیحیت بر اسلام، اگر حکومت واحد جهانی با باور به مسیح و حکومت او تحقق پیدا می‌کند، دیگر باور به حکومت جهانی مهدوی چه لزومی دارد؟

در جواب، توجه به این نکته ضروری است، که اگر چه بشارت‌های حکومت بر ملت‌ها و اجرای عدالت در کتاب‌های مقدس داده شده است که حکایت از حاکمیت جهانی حضرت عیسی دارد؛ اما پیروان، به طور جدّ از این مقوله دفاع نکرده‌اند؛ چرا که در مقابل برخی از نظریه پردازان یهود و نصارا از حکومت و سلطنت منجی موعود در دین خود، عدول و نکاتی را در توجیه نظریه حکومت عیسی (علیه السلام) بیان و برای آن تعبیرهای باطنی و خیالی ذکر کرده‌اند:

اول: کلیسا در آغاز، همان سلطنت مسیح و پادشاهی خداوندگار را مطرح می‌ساخت؛ همان گونه که در مکاشفه یوحنا، به سلطنت هزارساله مسیح اشاره شده است. پس چون قرن‌های متمادی گذشت و از سلطنت مسیح خبری نشد و هنوز پس از دو هزار سال اثری ظاهر نشده است؛ با

۱. یزدی حائری، علی بن زین العابدین، إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب، ج ۱، ص ۱۴۲.

۲. احمد بن حنبل، أحاديث المهدي من مسند أحمد بن حنبل،، البيان فی اخبار صاحب الزمان، ج ۱، ص ۱۰۶.

استفاده از تذکر انجیل لوقا، حکومت خدا را یک دولت روحانی تعبیر کرد که به زمان و مکان مقید نیست و در دل مومنان برپا خواهد شد.
در انجیل لوقا آمده است:

«روزی بعضی از فریسیان از عیسی پرسیدند: ملکوت خدا کی آغاز خواهد شد؟ عیسی جواب داد: ملکوت خدا با علایم قابل دیدن آغاز نخواهد شد و نخواهند گفت که در این گوشه یا آن گوشه زمین آغاز شده است؛ زیرا ملکوت خدا در میان شماست.»^۱
در انجیل متا به صراحت از «دولت آسمانی و قلمرو روحانی» سخن گفته می‌شود؛ نه از پادشاهی خداوند.^۲ در انجیل‌های دیگر، همان گونه که در مرقس دیده می‌شود، این قلمرو به نحوی توجیه می‌شود که حاکمیت از سلطنت یک فرد شبیه نظام شاهنشاهی و حکومت‌های انسانی - که در آن خدا فرمانروا و او شاه باشد - نمی‌نماید، بلکه اشاره به یک دوران الهی و روحانی و یک دولت آسمانی است. در بیش‌تر روایات انجیل‌های هم‌نوا، سخن از وارد شدن به حکومت خدا و یا قلمرو و دولت خداست.

گفتنی است کلیسا هیچ‌گاه امید آمدن مجدد عیسی را از دست نداد و هنوز به آن اعتقاد دارد؛ اما رفته رفته تاکید تعالیم خود را از این امیدواری برگرفت و به آینده افکند و بیش‌تر و بیش‌تر به سوی این باور رفت که عیسی قادر است اکنون مومنان را رستگاری دهد.

دوم: گویند خود عیسی نیز به صراحت اشاره می‌کند که برای پادشاهی نیامده است:

«من یک پادشاه دنیوی نیستم؛ اگر بودم، پیروانم می‌جنگیدند تا در جنگ سران قوم یهود گرفتار نشوم. پادشاهی من به این دنیا متعلق نیست.»^۳

سوم: اصولاً حضرت عیسی در دوران پیامبری خود، تنها به ابلاغ پیام الهی و ارتباط با مستمندان و نیازمندان بسنده کرد و از در ستیزه‌جویی و پرخاشگری نیامد. از طرفی برخی نشانه‌ها و علامات مورد انتظار یهود در مورد «منجی‌گری» و «مسیحایی» در او متحقق نشد و وضع آن‌ها بهبود نیافت. پس از در مخالفت با او درآمدند و او را به عنوان «مسیحای موعود» نپذیرفتند. در واقع

۱. لوقا، ۱۷: ۲۰ و ۲۳.

۲. متی، ۱۳: ۴۳ و ۴۵ و ۴۷.

۳. کارگر رحیم، آینده جهان، ص ۱۰۹.

نیز چنین بود؛ چون بعضی از علایم و معیارهای مطرح در کتاب‌های عهد قدیم، در او وجود نداشت؛ به عنوان مثال، او جنگ نکرد و پادشاهی تشکیل نداد.

چهارم: نکته مهم این است که معتقدند خود عیسی نیز منتظر ظهور قریب الوقوع حکومت خدا بوده است و عباراتی که در این زمینه بیان می‌کرده، برای شخص غایب بوده است (نه خودش). ویژگی‌ها و صفات بر شمرده شده در مورد منجی موعود، با شخص دیگری - به غیر از مسیح - تطبیق می‌یابد و آن، کسی جز حضرت مهدی علیه السلام نیست که عیسی علیه السلام نیز به یاری او خواهد شتافت و در بازگشت نهایی خود، به عنوان وزیر و مشاور او عمل خواهد کرد.^۱

اهل کتاب (یهود و مسیحیت) در همین دنیا به حقیقت عیسی علیه السلام ایمان می‌آورند، یعنی یهود به حقانیت عیسی علیه السلام پی می‌برند و مسیحیت نیز از ادعای الوهیت او دست بر می‌دارند و به این ترتیب، زمینه ظهور فراهم می‌شود. با نگاهی گذرا به آیات قرآن درباره حضرت عیسی علیه السلام این حقیقت قابل اثبات است.

قرآن کریم درباره سرنوشت حضرت عیسی می‌فرماید: ﴿وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا* بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا﴾^۲ و گفته‌اند ایشان که ما مسیح، عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم و حال آن که آنان او را نکشتند و مصلوبش نکردند؛ لکن امر، بر آنان مشتبه شد و کسانی که درباره او اختلاف کردند، قطعاً درباره آن دچار شک شده‌اند و هیچ علمی به آن ندارند، جز آن که از گمان پیروی می‌کنند و یقیناً او را نکشتند؛ بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد و خدا توانا و حکیم است؛ و از اهل کتاب کسی نیست، مگر آن که پیش از مرگ خود، حتماً به او ایمان می‌آورد، و روز قیامت [عیسی نیز] بر آنان شاهد خواهد بود. «چند نکته از این آیه به دست می‌آید:

۱. کارگر، آینده جهان، ص ۱۰۹، ۱۱۰.

۲. نساء: ۱۵۷.

۱. بعضی مفسران از آیه استفاده کرده‌اند که حضرت عیسی علیه السلام کشته نشده و نمرده است، بلکه زنده است و به آسمان نزد خداوند رفته است؛^۱

۲. اهل کتاب (یهود و نصارا) قبل از مرگ حضرت عیسی، به او ایمان می‌آوردند؛

۳. ایمان همه اهل کتاب به حضرت عیسی علیه السلام هنوز اتفاق نیفتاده و این پدیده بزرگ قبل مرگ آن حضرت علیه السلام محقق می‌شود و این، یعنی نوعی انتظار و تحول و چون از مقام خلافت و زعامت حضرت عیسی علیه السلام چیزی نگفته است، معلوم می‌شود او سمت وزیر و معاون را خواهد داشت.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه می‌فرماید:

«ان عیسی ینزل قبل یوم القیامه الی الدنیا فلایبقی اهل مله یهودی و لاغیره الا امنوا به قبل موتهم و یصلی عیسی خلف المهدی»؛^۲ حضرت عیسی علیه السلام قبل از قیامت به دنیا نازل می‌شود. پس هیچ یهودی یا غیر یهودی باقی نمی‌ماند، مگر آن که قبل از مرگشان به آن حضرت ایمان می‌آورند، و حضرت عیسی پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز می‌خواند؛

پنجم: قضاوت بعضی نویسندگان غربی مبنی بر این که تشکیل حکومت در مسیحیت جایگاهی ندارد.

یکی از پژوهشگران معاصر به نقل از ژان ژاک روسو می‌نویسد:

«مسیحیت، مذهبی کاملاً روحانی است که تمام هم و غم آن، مسائلی آسمانی است. میهن مسیحی این جهان نیست. واقعیت این است که مسیحی وظیفه‌اش را انجام می‌دهد؛ اما این کار را با بی‌اعتنایی عمیقی به نتیجه خوب و بد آن انجام می‌دهد، به شرط آن که کاری نکند که پیش وجدانش مستوجب سرزنش باشد.»^۳ «تمام ناپاکی را از وجود عیسویان پاک کنید؛ دیگر نه به زمامداری نیاز دارند و نه به قوانین. تمام

۱. طباطبائی، سید حسین، المیزان، ذیل آیه.

۲. شوشتری، نورالله، احقاق الحق و إزهاق الباطل، ج ۱۳، ص ۳۳۴.

۳. روسو، ژان ژاک، قرارداد اجتماعی، ترجمه مرتضی کلانتریان، ص ۵۰۳.

خواهش‌های نفسانی را از پیکرشان بزداييد؛ در آنی پیوند شهروندی تمام جاذبه خود را از دست می‌دهد؛ نه تعصب باقی می‌ماند و نه شوق کسب شهرت و افتخار.» او معتقد است: «حضرت مسیح برای استقرار حکومت معنوی و روحانی بر روی زمین ظاهر شد. با ظهور مسیحیت نظام مذهبی از نظام سیاسی جدا گردید و دولت یکپارچگی خود را از دست داد.»^۱ فوستل دوکولانژ نیز گفته است: «می‌توان گفت که مسیحیت حکومت را در اساس تغییر داد؛ به خاطر این که ابداً به آن توجه نداشت ... عیسی مسیح می‌آموزد که امپراتوری او به این جهان تعلق ندارد و بدین ترتیب، حکومت را از مذهب جدا می‌کند؛ چون مذهب زمینی نیست. بنابراین، تا آن‌جا که امکان دارد، به ندرت به امور زمینی می‌پردازد: «آنچه به سزار تعلق دارد، به سزار و آنچه به خداوند تعلق دارد، به خداوند بر گردانید.» سه قرن تمام مذهب جدید، کاملاً خارج از حوزه عمل دولت قرار گرفت و نه فقط توانست از حمایت دولت چشم‌پوشد، بلکه حتی بر ضد دولت پیکار کرد. این سه قرن، شکاف عظیمی میان قلمرو دولت و قلمرو مذهب به وجود آورد.»^۲

گفت و گوی یکی از دانشمندان اسلامی معاصر با یک تن از دانشمندان برجسته کاتولیک در این زمینه خواندنی است: آیت‌الله امام کاشانی می‌گوید:

در انجیل نوشته است که مسیح، ظهور خواهد کرد. این یک حقیقت است؛ ولی آنان (مسیحیان) همین بحث را غالباً به حکومت جهانی تعبیر نمی‌کنند. آقای رات سینگر بزرگ‌ترین شخصیت علمی کاتولیک است و پاپ و امثال او نظر علمی را از وی می‌گیرند. وقتی با او صحبت کردم، دیدم زیر بار حکومت نمی‌رود و حکومت جهانی را نمی‌پذیرد. او می‌گفت: مسیح ظهور خواهد کرد؛ ولی آن را به اسکاتولوژی - که همان عالم آخرت باشد - وصل می‌کرد. می‌گفت: در عالم آخرت است که عدل خداوند ظهور

۱. همان.

۲. همان، ص ۴۹۰.

تام دارد و حضرت مسیح، مجری عدل خداوند است. آن جا است که همه به کیفر و پاداش می‌رسند.^۱

به منظور تبیین این که چگونه مهدویت از مبانی تشکیل حکومت جهانی به شمار می‌رود، لازم است بایستگی‌های حکومت واحد جهانی روشن گردد. در ادامه به این مقوله اشاره می‌شود:

ویژگی‌های حکومت جهانی

حال که «حکومت جهانی» از مبانی مشترک ادیان و منتظران منجی است، پرسش این است که نوع آن حکومت جهانی چگونه خواهد بود؟ آیا حکومت دیکتاتوری و تک‌رایی است و یا حکومتی برخاسته از آرای مردم؟ آیا نحوه حکومت بر اساس جامعه بی‌طبقه کمونیستی است؛ یا بر اساس نظام کاپیتالیستی و سرمایه‌داری و اشرافی؟ آیا در این حکومت رفاه مادی و حیات حیوانی اصل است یا رفاه معنوی و حیات انسانی؟

گونه و الگوی حکومت موعود در دین اسلام آن هم از منظر تشیع بسیار روشن است و در این بخش تلاش می‌شود، ماهیت حکومت موعود واحد جهانی از دیدگاه شیعه ترسیم و بررسی گردد؛ زیرا با بررسی ماهیت حکومت از دیدگاه شیعه، دیدگاه‌های دیگر ادیان نیز ترسیم و روشن می‌شود. در واقع، دین یا مکتبی می‌تواند بر قطعه پایانی تاریخ حاکم و نجات‌دهنده بشر و فرمانده حکومت واحد جهانی باشد که از ویژگی‌های زیر برخوردار باشد:

۱. توانایی شکوفایی فطرت انسان‌ها را داشته و تعالیم و دستورهایش بر اساس فطرت سلیم انسان باشد؛

۲. تعالیمش مورد پذیرش همگانی و فراگیر باشد؛ یعنی عناصر اصلی فرهنگش به گونه‌ای باشد که ظرفیت پذیرش از سوی همه افراد بشر، از هر نوع قوم و نژاد را داشته و با هر موقعیت جغرافیایی و جنسیت سازگاری داشته باشد و نیز ملاک‌های ارزشی و نوع تعالیم

۱. امامی کاشانی، نحوه نگرش مسیحیت به موضوع مهدویت، رسالت، ش ۵۴۲

- و احکامش فراگیر و فرامرزی باشد؛ به عبارتی، جهان شمول و به فکر رستگاری همه بشر باشد، نه این که بخواهد قوم یا نژاد خاصی را برتری دهد؛
۳. به دنبال سلطه‌گری، استکبار، جاه طلبی، نژادپرستی، تبعیض و استثمار نباشد؛ حق را در جهان احیا کند و باطل را بمیراند؛ یعنی هر نوع ظلم و ستم را نفی کند؛
۴. عدالت اجتماعی را برای همه بشر بخواهد؛
۵. رفاه را برای همه افراد بشر بخواهد، نه برای قشری خاص؛
۶. علاوه بر پذیرش مردمی، از پشتیبانی خداوند برخوردار باشد؛
۷. قدرت بسیج سیاسی و انقلاب در سطح جهانی را داشته باشد؛
۸. توانایی خود را برای گسترش و فراگیری ایده‌های خود به اثبات رسانده باشد؛
۹. در رأس آن، رهبری شایسته (دارای علم و تقوا و عدالت و عصمت) باشد؛
۱۰. کارگزاران آن نیز، گوشه‌ای از فضایل رهبری را داشته باشند و در هر حال مطیع کامل او و به رهبری او معتقد باشند؛
۱۱. برنامه‌های حکومتی‌اش جامع بعد فردی و اجتماعی و جسمانی و معنوی و دنیوی و اخروی و نیز کارآمد و قابل اجرا و به تکامل و توسعه علمی توجه داشته باشد.^۱
- حکومت واحد جهانی مطرح اسلام (خاصه در فرهنگ شیعه) جامع آن ویژگی‌هاست. تحلیل و بررسی اوصاف برنامه‌ها، دستاوردها و کارکردهای حکومت و دولت مهدوی، در چشم‌انداز مکتب اسلام و تشیع این حقیقت را تایید می‌کند، که هدف حکومت مهدوی برقراری عدل و انصاف بر اساس دین اسلام است و این هدف نیز به انگیزه زمینه‌سازی عبادت و عبودیت است و تحقق عبادت و مقام عبودیت نیز هدف نهایی خلقت است. بنابراین، ظهور دولت مهدوی در هدف آفرینش ریشه دارد، و این جا است که موعود باوری در اسلام و شیعه از دنیای مادی و حیات فردی بسیار فراتر است، و در حقیقت دولت مهدوی حرکت همه انبیا را به نتیجه می‌رساند.

۱. ر.ک: قنبری، آیت، آینده جهان در نگاه ادیان، ص ۱۶۸.

توضیح این که، هر فاعل حکیمی کارش دارای هدف است، و خداوند حکیم نیز از خلقت جهان و انسان هدف داشته است: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»^۱ هدف از خلقت انسان نیز رسیدن به مقام عبودیت: ﴿مَا خَلَقْتُ الْإِنْسَ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۲ و برگشت به سوی خدا است: ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾^۳. این هدف به شکل عمومی و همگانی در دولت مهدوی محقق می‌شود: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ ... يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾^۴ ﴿الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ﴾^۵ عبادت خالصانه خدا، (نماز، پرداخت زکات، امر به معروف و نهی از منکر) که تجسم عبادت است، در عصر حکومت مهدوی همگانی می‌شود.

«عدالت»، شیرازه قالب و نمودار کلی حکومت مهدوی است و همین عامل موجب جهانی شدن و مقبولیت دولت او می‌شود. جامعه شناسان همواره «آرمان شهر» و «مدینه فاضله» خود را بر عدالت پایه گذاری کرده‌اند. افلاطون با طرح مدینه فاضله در صدد آفرینش پیوندی عمیق میان جامعه بشری بود. وی وحدت بخشیدن به جوامع متفرق را هدف اولیه خود می‌دانست و مسلماً چنین ایده‌ای بدون استقرار عدالت، تحقق ناشدنی است.

اسلام و تجلی حکومت واحد جهانی

حکومت جهانی مهدوی، برگرفته و بر اساس حکومت اسلامی و بر اساس آرمانشهر مدینه فاضله الاهی است، و اسلام از آغاز تا امروز استعداد جهانی شدن خود را بارها نشان داده است و از طرفی

۱. مؤمنون: ۱۱۵.

۲. الذاریات: ۵۱.

۳. مؤمنون: ۱۱۵.

۴. نور: ۵۵.

۵. حج: ۴۱.

حکومت مهدوی دنباله رو حکومت نبوی است: «المهدی یقفوا اثری لا یخطفی^۱؛ مهدی جا پای من می گذارد و خطا نمی کند».

منشور حکومت نوپای رسول اکرم ﷺ تمام نژادها، ادیان و ملل را با معیارهای الهی، فراملیتی دور هم گرد آورد. این فراگیری اقتضای حکومت واحد جهانی را داراست. آوردن شواهد تاریخی، این پژوهش را طولانی می کند و لذا تنها به گوشه از اعترافات دانشمندان غیراسلامی مبنی بر توانایی و ظرفیت جهانی شدن اسلام بسنده می شود:

پرفسور هرگروئید می نویسد: اتحادیه مللی که توسط پیامبر اسلام بنا نهاده شد، اصل وحدت بین المللی و برادری انسان ها را بر چنان پایه های جهانی قرار داد که چراغ راه سایر ملت ها گردید. حقیقت این است که هیچ یک از ملل دنیا نتوانسته است چیزی نظیر اسلام برای تحقق ایده «اتحاد ملت ها» ارائه کند. جرج برناردشاو (۱۸۵۶-۱۹۵۰) نویسنده و نمایشنامه نویس ایرلندی در مورد اسلام می نویسد: اسلام تنها مذهبی است که استعداد آن را دارد که بتواند با تحولات اعصار مختلف زندگی بشر همگام گردد. من راجع به مذهب محمد پیشگویی می کنم که اروپای فردا این مذهب را خواهد پذیرفت؛ همانطور که این مذهب به نظر اروپایی های امروز قابل قبول گردیده است.^۲

اگر مردی مانند محمد، فرمانروایی دنیای جدید را به دست بگیرد، می تواند مسایل این جهان را چنان حل کند که آن صلح و سلمی که دنیا به آن نیازمند است، تامین شود.^۳ اندیشمندان اسلامی مانند شهید مطهری و مرحوم علامه طباطبائی، آزاد اندیشانه و با تمسک به فطرت انسانی و با نوآوری ها و روشنگری ها با بینش جدید به معرفی معارف اسلام ناب از نگاه حرکت تاریخی بشر پرداخته اند. استاد مطهری می فرماید:

«دین اسلام به عنوان آیین وحیانی مبتنی بر فطرت بشری، مسیر نهایی حرکت تاریخ را با به هم رسیدن فرهنگ ها و گرایش های گوناگون در پرتو اندیشه های دینی توضیح می دهد. بنابراین، بر

۱. ینابیع المودّة: ۳/ ۱۳۶ ب ۸۶.

۲. پیامبر اکرم در کلام لامارتین فرانسوی، <https://btid.org/fa>.

۳. دیدگاه استاد دانشگاه تگزاس آمریکا در مورد رسول خدا(ص) <https://btid.org/fa>.

اساس نظریه «اصالت فطرت» و این که وجود اجتماعی انسان زندگی اجتماعی او و بالاخره، روح جمعی جامعه وسیله‌ای است که فطرت نوعی انسان برای وصول به کمال نهایی خود انتخاب کرده است؛ باید گفت جوامع و تمدن‌ها و فرهنگ‌ها به سوی یگانه شدن، متحدالشکل شدن و در نهایت، ادغام شدن سیر می‌کنند و آینده جوامع انسانی، جامعه جهانی تکامل یافته است که در آن، همه ارزش‌های امکانی انسانیت به فعلیت می‌رسد و انسان به کمال حقیقی، سعادت واقعی و انسانیت اصیل خود خواهد رسید. در طول تاریخ گذشته و آینده نیروهای انسانی به تدریج، بیش‌تر جنبه ایدئولوژیک پیدا کرده و می‌کند و انسان تدریجاً از لحاظ ارزش‌های انسانی به مراحل کمال خود، یعنی به مرحله انسان ایده‌آل و جامعه ایده‌آل نزدیک‌تر می‌شود تا آن‌جا که در نهایت امر حکومت عدالت؛ یعنی حکومت کامل ارزش‌های انسانی که در تعبیرات اسلامی از آن به «حکومت مهدی» تعبیر شده است مستقر خواهد شد و از حکومت نیروهای باطل و حیوان مآبانه و خودخواهانه و خودگرایانه اثری نخواهد بود.^۱

علامه طباطبائی نیز می‌فرماید:

کاوش عمیق در اصول کائنات نشان می‌دهد که انسان نیز به عنوان جزئی از کائنات، در آینده به غایت و کمال خود خواهد رسید. آنچه در قرآن آمده است که استقرار اسلام در جهان امری شدن و لا ُبد منه است، تعبیر دیگری است از این مطلب که انسان به کمال تام خود خواهد رسید.

به حکم ضرورت، آینده جهان روزی را در بر خواهد داشت که در آن روز، جامعه بشری پر از عدل و داد شده و با صلح و صفا همزیستی نمایند و افراد انسانی غرق فضیلت و کمال شوند. البته استقرار چنین وضعی به دست خود انسان خواهد بود و رهبر چنین جامعه، منجی جهان بشری و به لسان روایت، «مهدی» خواهد بود.^۲

۱. مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ص ۴۲۷.

۲. طباطبائی، شیعه در اسلام، ص ۳۰۸.

با توجه به این که ادیان دیگر ابراهیمی غیر از اسلام، برنامه‌ای جامع برای کمال خواهی و نجات انسان از متون دینی خود ارائه نمی‌کنند و در واقع، متون دینی آن‌ها در این زمینه ناکارآمد است؛ اگر مهدویت از مبانی تشکیل حکومت واحد جهانی نباشد؛ این توالی مفاسد را خواهد داشت:

۱. انسان از رسیدن به کمالیت تام محروم خواهد ماند؛

۲. عدم وصول انسان به جامعه ایده‌آل و ارزشی؛

۳. تحقق نیافتن عبادت و نرسیدن به مقام عبودیت که بر اساس آموزه‌های قرآن، عبودیت و بندگی هدف نهایی خلقت است؛

۴. پایان نیافتن ظلم؛

۵. برقرار نبودن صلح و نجات برای انسان‌ها.

نتیجه‌گیری

بر پایی حکومت واحد جهانی برای ایجاد عدالت و نجات خواهی برای بشر مورد قبول عقلا و اندیشمندان است و برپایی چنین حکومتی با فرض الاهی بودن و اعتقاد به حاکمیت منجی، مبنای مشترک بین همه ادیان ابراهیمی است، با توجه به لزوم برنامه و تشکیلاتی نظام‌مند، برای رسیدن به اهداف و کمال خواهی انسان، می‌طلبد آن حکومت جهانی از ویژگی‌های خاص برای رسیدن به آن اهداف برخوردار باشد. با توجه به ناکارآمدی آموزه‌های مسیحیت و یهود در ارائه برنامه جهانی با اهداف مورد نظر، نوع این حکومت از دیدگاه اسلام با حاکمیت شخص معصومی است که از توانایی‌های لازم برای نجات بشر و عدالت گسترده و فراهم کردن زمینه عبودیت برای انسان‌ها برخوردار باشد. از این رو، تشکیل چنین حکومتی در پرتو برنامه‌های امام مهدی علیه السلام که مورد ادعای مسلمانان است، میسر است. لذا مهدویت از مبانی ضرورت تشکیل حکومت واحد جهانی به شمار می‌آید.

منابع

قرآن

۱. امامی کاشانی محمد، **خط امان در ولایت صاحب الزمان**، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۶.
۲. _____، **نحوه نگرش مسیحیت به موضوع مهدویت**، رسالت، شماره ۵۴۲۰.
۳. امینی کلسستانی، محمد، **سیمای جهان در عصر امام زمان**، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۵.
۴. آشتیانی، جلال الدین، **تحقیقی در دین مسیح**، نشر نگارش، تهران، چاپ دوم، سال ۱۳۷۹.
۵. آقابخشی، علی و...، **فرهنگ علوم سیاسی**، مرکز اطلاعات و مدارک، تهران، سال ۱۳۷۴.
۶. آلن وین، لئوها واو، **پیش‌گویی آینده**، مترجم: ناصر موفقیان، نشر نی، تهران، ۱۳۷۴.
۷. لنکستر، لوئیس، **میتریه موعود بودایی**، علی اصغر شجاعی، هفت آسمان، سال ششم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۸۳.
۸. بحرانی، سیدهاشم، **البرهان فی تفسیر القرآن**، مؤسسه بعثت، قم، ۱۴۱۷ق.
۹. _____، **حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار**، مؤسسة المعارف الإسلامية، قم، ۱۴۱۱ق.
۱۰. برتراند راسل، **آیا بشر آینده دارد؟** ترجمه: م. منصور، تهران، مروارید، ۱۳۴۴.
۱۱. بهروزلک، غلامرضا، **سیاست و مهدویت**، موسسه آینده روشن، پژوهشکده مهدویت، قم، ۱۳۸۸.
۱۲. جلالی مقدم، مسعود، **مقالات و بررسی‌ها**، تهران، دانشکده الهیات دانشگاه تهران، سال ۱۳۸۱.
۱۳. جمعی از نویسندگان، (مسعودی، حسین)، **چشم به راه مهدی**، حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات، قم، ۱۳۷۸.
۱۴. جندقی، بهروز، **مهدویت از دیدگاه دین پژوهان و اسلام شناسان غربی**، انتظار موعود، سال دوم، ۱۳۸۱.
۱۵. جوویور، مری، **درآمدی به مسیحیت**، ترجمه حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، چاپ اول، سال ۱۳۸۱.

۱۶. جی گولد، استفان و...، سال ۲۰۰۰ (چهار گفتگو درباره آخرالزمان)، مترجم: حسن مرتضوی، تهران، بهنام، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۱۷. رابرت. دال، تجزیه و تحلیل جدید سیاست، ترجمه حسین ظفریان، تهران، نشر مترجم، سال ۱۳۶۴.
۱۸. رضوانی، علی اصغر، نظریه پردازی درباره آینده جهان، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۶.
۱۹. روسو، ژان ژاک، قرارداد اجتماعی، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران، نشر آگاه، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۲۰. سلیمان کامل، روزگار رهایی، نشر آفاق، تهران، ۱۳۸۶.
۲۱. شاکری، روح الله، منجی در ادیان، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، تهران، اول، ۱۳۸۸.
۲۲. شاملی، پیامبر اعظم از دیدگاه برخی از دانشمندان، مترجم: حسین مسعودی، معارف، شماره ۳۵، فروردین ۱۳۸۵.
۲۳. شوشتری، نورالله، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۹ ق.
۲۴. صادقی، محمد، بشارات عهدین، تهران، دارالکتب الاسلامیه، سال ۱۳۳.
۲۵. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، نشر مؤسسه انتشاراتی حضرت معصومه علیها السلام چاپ اول، قم، ۱۴۱۹ ق.
۲۶. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، مصحح: علی اکبر غفاری، نشر مکتبه الصدوق تهران، سال ۱۳۹۰ ق.
۲۷. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، بیروت، مؤسسه اعلمی، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق و المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر همدانی، نشر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۸. _____، شیعه در اسلام، انتشارات اسلامی، قم، سال ۱۳۷۴.
۲۹. طوسی، ابوجعفر، مصباح المتبجد، مؤسسه فقه الشیعه، بیروت، بی تا.

۳۰. طوسی، محمدبن الحسن، الغیبة، مؤسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۱ق.
۳۱. عاصف آگاه، حسن، سوشیانت منجی ایرانویج، موسسه آینده روشن، پژوهشکده مهدویت، قم، ۱۳۸۷.
۳۲. عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، چاپ ششم، سال ۱۳۷۹.
۳۳. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۳۴. فلسفی، محمدتقی، حکومت جهانی امام عصر^{علیه السلام} تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی^{علیه السلام} ۱۳۷۹.
۳۵. قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۲.
۳۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، مصحح: موسوی جزایری، دارالسرور بیروت، ۱۴۱۱ق.
۳۷. قنبری، آیت، آینده جهان در نگاه ادیان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، اداره آموزش‌های عقیدتی سیاسی، تهران، ۱۳۸۵.
۳۸. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینایع الموده، تحقیق محمدمهدی خراسان، کاظمیه، دارالکتب العراقیه، ۱۳۸۵ق، افسست از چاپ استانبول، سال ۱۳۰۲ق.
۳۹. کتاب مقدس، شامل کتب عهد عتیق و جدید.
۴۰. کلینی، محمد، الکافی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
۴۱. کارگر، رحیم، آینده جهان، قم، بنیاد فرهنگی امام مهدی موعود^{علیه السلام}، سال ۱۳۸۳.
۴۲. کویره، الکساندر، سیاست از نظر افلاطون، ترجمه حسین جهانگللو، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۰.
۴۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، نشر دارالکتب اسلامی، و بحارالانوار ۱۱۰جلدی مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۴۴. مجموعه آثار سومین همایش بین‌المللی دکتربین مهدویت، موسسه آینده روشن، پژوهشکده مهدویت، قم، ۱۳۸۵.
۴۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، صدرا، قم، ۱۳۸۷.

۴۶. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام از دیدگاه فلسفه تاریخ، قم، صدرا، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۴ش و مجموعه آثار، نشر صدرا، جلد دوم.
۴۷. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی، نسل جوان، قم، ۱۳۸۶.
۴۸. —، مهدی انقلابی بزرگ، قم، انتشارات مطبوعاتی هدف، بی‌جا، بی‌تا.
۴۹. موحدیان عطار، علی، گونه شناسی اندیشه مهدویت، هفت آسمان، سال ششم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۸۳.
۵۰. مهدی پور، علی اکبر، او خواهد آمد، رسالت، قم، ۱۳۸۴.
۵۱. مؤسسه فرهنگی نور، گفتمان مهدویت سخنرانی و مقاله‌های گفتمان نهم، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۷.
۵۲. نعمانی، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم، الغیبة، تبریز، ۱۳۸۳ق.
۵۳. هاشمی شهیدی، اسدالله، ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۷.
۵۴. هال سل، گریس، تدارك جنگ بزرگ براساس پیشگویی‌های انبیای بنی اسرائیل، ترجمه خسرو اسلامی، تهران، نشر رسا، سال ۱۳۷۷.